

۶ مهر ۱۳۹۳

شنبه ۱۹ مهر ۱۳۹۲ | ۱۶ ذیالحجه ۱۴۳۵ | ۱۱ اکتبر ۲۰۱۴ | سال دوم | شماره ۴۰۰





🖌 پرونده دوم بحرانعدالت

به شنبه اول مهر ۱۳۹۳

1.2474.54

## سياستگذارىاجتماعي درگیر فقدان شایسته سالاری است

موضوعىاستكههمه

موصوعی،ست نهادهایدولتیباید هماهنگکنندهاجرایآن

كهيكنهادمتولىداشته

باشد؛نهادمتولی،معنای شناساییاموراجتماعیو ابلاغوظایفدستگاههاست

واگردستگاههاباهم

هماًهنگَجاشندمی توانند درسیاستگذاریهاموفق

باشند.براینمونهوظایف وزارتدادگستری،نیروی

نتظامى وقوممقننههمه

ی مستعی به نمار این نهادهامر بوطمی شود

ته شدمانیت

به هم ربط دار دو اجرای یاست های اجتماعی به تمام

باشندواينطورنيس

موفــق باشــند. بـرای مونه وظایـف وزارت

دادگستری، نیتروی انتظامی و قبوه مقننه

همه به هم ربط دارد و اجرای سیاستهای اجتماعی به تمام این

نهادها مربوط میشود و کل این نهادها را دربر

میگیـرد. نمیتـوان گفـت سیاسـتهای

اجتماعــى فقط به يک

نهاد برمی گردد و اجرای آن با یک نهاد

است و ار گانهای دیگر

وظايفي در آن ندارند.

بــرای همین اس

اجرایی ما مثلا درمورد

بچههای محروم و خیابانی، یک برنامه نوش

که همه سیاس

لتهاى

که سازمان بهزیستی باید انجام دهد. ولی در اجــرا میبنیم دادگستری هم درگیر میشود چون با قوانین نوشته شده هماهنگ نیست یا نیروی انتظامی وارد

در بیر ای سول پول به بی وست هماهنگ نیست یا نیروی انتظامی وارد می شـود و می گوید اجرای ایــن برنامه با برنامههایشان هماهنگ نیست.

بر محمیتان معمعت بیست. ما یک از به رئیس جمهوری پیشـــنهاد دادیم کــه اگــر میخواهید مشــکلات اجتماعی که ۸۰درصد مســائل کشـور را دربرمی گیرد، حل شــود، باید معاونت

سیاستهای اجتماعی موضوعی است که هصه نهادهای دولتی باید هماهنگکننده اجرای آن باشیند و اینطور نیست که یک نهاد متولی داشته

باشد؛ نُهاد متولى به معناى شناسايي امور اجتماعي و ابلاغ وظايف دستگامهاست

اجتماعے ریاستجمہوری تشکیل شود کہ ریاست این معاونت باید رئیس سازمان بھزیستی باشد و ھماھنگکنندہ ــتگاههای مختلــف در اجــرای برنامههایی کــه برای معضلات اجتماعی جامعه تدوین میشود را عهدمدار شود. میبینیم کـه متولی تمام آسـیبهای اجتماعی در کشـور سازمانبهزیسـتی است. این سازمان یک زمانی قدرت پایه در کشور محسوب میشد و می توانست اجتماعی و ایلاغ وظایف دستگاههاست در کشور محسوب می سو ومی وست و آصر دستگاهها با هم هماهننگ برنامهها را اجرایی کنده ولی اموز این باشنده می توانند در سیاست گذاری ها سیاست های اری ها موفق باشند. برای موفق باشند. برای

بادداشت

است. تمام مسائل و نمیام مسائل و آسیبهای اجتماعی برعهده سازمان بهزیستی است و این درحالی است که این ر ای سازمان نـه امکانات دارو و نـه بودجـه دارد و اساسـا کسـی توجهنی به سنازمان بهزیستی نمی کند. ایسن سازمان امسروز بخشسی از وزارت رفاه به مسعی از ورزی را در کار و امــور اجتماعــی اســت که بعد از ادغام ۲وزارتخانه کار و رفاه، دیگر این سازمان در امور اجرایی به حساب

نمیآید. اینجاسـت کـه وقتـی مسـائل و آسیب های اجتماعی روز به روز افزایش پیــدامی کنــد، هیچ کس در ایــن مورد پاسخگو نیســت. مثلا بیکاری مقولهای است که آسیباجتماعی تلقی می شود و خانواده ها از ایس ناهنجاری اجتماعی رنیج میبرنید، میددکاران سیازمان ر بع می را به می توانند بگویند که این بهزیستی می توانند بگویند که این بیکاری باعث چه معضلات و آسیب های دیگری شود.

ادامه در صفحه ۱۰

شده است و تنها در برخی مواقع به صورت موردی شـــاهد این هســـتیم که تشــکل ها و افراد در قالب نهادهای مدنی به احقاق حقوق خود می پردازند.البته آنهانیز با مشکلات عدیدهای در این زمینه مواجهند. برای مثال در حوزه هنر، نهادهای بسیاری می توانند ، متولى اجرا باشــند، اما براى اين نهادها امكان انجام چنين مــوردى وجود نــدارد و چون سياســتهاى موجــود در رد فعاليــت آنهاســت، امــكان تحقق ر. بياست گذارىھا توسط آنھاوجودنداردودر حقيقت آنهادر تعارض گستردهای برای مهر زدن به نقش شان قرار دارندواز این رونمی توانند آن طور که بایدو شاید متولی اجرای سیاست گذاری های اجتماعی باشند. به همین دلیل نیز سیاست هایی که برای بهبودو توسعه موقعیت اجتماعی افراد وضع می شوند، نمی توانند آنطُور که باید و شاید عُملیاتی شوند و حتی بالعکُس وضع اجتماعی رابامعضل مواجه می سازند.

کنند که نقــض قوانین را نادیــده بگیرند. در این زمینه فرهنگ و فرهنگســازی خیلی می تواند تأثیر گذار باشد که مردم بدانند هر جایی مقررات انتخب می کنند با بلیس ط ف نیستند بلکه با رانقض می کنند با پلیس طرف نیســتند بلکه با تشکلات مدنی، شهروندان وافرادی که حقوقشان نقض مىشودطرف هستندو بأيدبه آنها پاسخگو . ند. توجه به افسراد و شسهروندان دیگر، نفع . عمومی و دانستن این که هرکدام از شهروندان میتوانند حق شهروندی خودشان را بدانند و اگر برای مثال دیدندراننسدهای از حالت عادی خارج ار است یا تخلفی می کند، آن را گزارش دهند و با آن راننده برخوردی متناسب با جرمی که انجام داده، صور ت بگیر د.

رر - ۰ ـ ٫٫ درواقع متولی اصلی اجرایی کردن سیاستها باید مردم باشند، به صورتی که هر کسی، فرددیگر را شهروندی دارای حق و حقوق بداند. تشکل های مدنی هم زمانی می توانند به این روند کمک کنند که قوی باشیند. اگر به تشیکل های مردم نهاد پر و بال داده شیود و مثل دولت گذشته با آنها مبارزه نشود، آنها می توانند سیاستهای اجتماعی و ارزشهایشان را به مردم منتقل کنند واجرای آنها رااز آنها بخواهند، مثلا یک تشکل که مدافع محیط ریست، حقوق شــهروندی، حقوق زنان یا حقوق یست، حقوق شـهروندی، حقوق زنان یا حقوق کودکان است و از مردم جامعه تشکیل شده است ین قدرت اداشته باشد که در سیاست گذاری های ین عار حرام سعب می خار سیست عماری مای اجتماعی واجرایی کردن آنها دخالت داشته باشد و از نظر فرهنگی کاری کند که افراد جامعه خود را در برابريكديگرمسئوليدانند.

## جامعەبەافرادىمكانىكىبدل شدەايم كەھرسياست جتماعى كەتوسط متوليان گذاشتەمىشود، توسط متولی اجرای سیاست گذاری های اجتماعی، تمامی بخش ها هستند و هر کدام از آنها به نوعی در انجام مااجرامی شود و در حقیقت نقش نهادهای مدنی در اجرای سیاستهای اجتماعی همواره نادیده گرفته سیاستگذاریهای اجتماعی نقش دارند اماچنانچه پیش از این نیز اشاره کردم سیاست گذاری اجتماعی

و درحقیقت آنچه در انجام سیا،

در هر کشوری متفاوت است. بس

در هر شوری متعاوت ست، بسیاری از شهرها با توجه به مشسی ه لیبرالی که در پی گرفتهاند، همواره طبق خواست و نظر مردم این سیاستها را به اجرا می گذارند و با اجازه برای تأسیس نهادهای مدنی و NGO هادر تلاشیند تا مردم جامعه را نیز در انجام

و شکلدهی به سیاست گذاری های اجتماعی با خود همراه سازند.این درحالی است که در بسیاری دیگر

از کشــورهاچون ايران، چنين روحيهاي وجود ندارد

ر در اینده، همانا نقش مردم است. متاسفانه ما در

## چشم نگران جامعه، متولی اجرای سیاست های اجتماعی

**جای خالی مردم در اجرای سیاست های اجتماعی** 

بودن فضای اجتماعی بود. جامعه امکان نظارت بیشتری بر افراد داشت ولی حالا بخش عظیمی ــته کشیده شده و این مُكان نظارت رااز جامعه گرفته است.

می تواندارز ش هاو رفتار های اجتماعی را مدیریت کندو افــراد را طوری بار بیاورد که خودشــان را در برابُــر افُرادُ دیگُــر جامعه مُســـئولُ بدانند. در یک جامعه درحال توســعه مثل ایران وقتی من اعتراض می کنم به کسیی که شیلنگ آب را باز کردہ و پیادہ رو را جارو می کند، او به من می گوید تو چه کاره ای! وقتی به یـک راننده ناقض قانون ی گویم چرا خـــلاف مـــیروی می گوید مگر تو پیس مسلمی یعنی سور در بیست میرد. نشده که افراد اجازه و حق شــهروندی دارند که به نقض قوانین و مقرراتی که مربوط به همه افراد جامعه میشــود، اعتراض کنند. بنابر این پلیس . یا نیروهای انتظامــی یا نهادهــای دولتی نباید تنها نهادهایی باشــند که بر اجرای سیاستهای اجتماعی نظارت میکنند. اگر چه نظارت سالم و مستمر این نهادها و قانونگذاری در ست و اولویت قایل شدن برای شهروندان به جای منافع خصوصی افراد در اجرای سیاست. ها بسیار موثر است ولی در ضمن این باعث شده است که افراد جامعه عادت کنند قانون را فقط در مقابل چشم ماموران قانون رعایت کنند و حتی شـاید آن جا هم رعایت نکنند و فکر کنند کـه ماموران را هم مى شود با شيرين زبانى، خنده يا رشوه مجاب

ــيارى از كشورها با

تهای اجتماعی

شــکل گرفتن تشــکلهای مدنــی در جامعه

پليس ھ

ر . نانونمندبودن،فاسدنبودنورشوەنگرفتنواينكه از جامعه یشت در های بسـ



افراد بدانند جلوی چشم جامعه هستند فرهنگ

مادر مقابل إفرادجامعه ياسخگو هستيم.

دولـــت از طريق حوز دهـــای مختلف بـــه پايه, يز ی

از طریق ابلاغ سیاست.های خود به ستایر بخش ها

ر ریی بی ایسی می در بی این ترتیب مانند وزار تخانهها و…انجام میدهــد به این ترتیب سیاســتهای اجتماعــی در حوزه فرهنــگ و هنر،

کتاب و... زیر نظر وزارت ارشـاد، سیاست.های حوزه آموزشــی، زیر نظر آموزش و پرورش و آموزش عالی

واجرای سیاست های اجتماعی در زمینه فضای عمومی نیز به شهرداری ها و فرهنگسراها سپرده

شده است. در زمینه مسائل مربوط به خانواده نیز

ر ریا رو تھای اجتماعی می پے دازد. این امــر را نیز

خصوصی متحمل شوند، کار و فعالیت و تفریح و معاشرت کنند. چاره کار این است که فضاهای عمومی سےالم مثل فضاهای ورزشی، خانههای جوانان و فضاهای فرهنگ، دانشگاهها و مدارس بر ای و عدادی فرند د. ده می و تدرین تبدیل شــود به جایی که زندگــی واقعی در آنها جریان داشته باشد و بسیاری از ارزش هایی که عرف جامعه تعیین و نظارت می کند به افرادش منتقل و نظارت کند که آنها چطور اجرا می کنند. پس مهم تریــن نهاد خود جامعه اســت. جامعه، عرف و ارزش هایــی دارد که می تواند براســاس آنها ناظر اجرای سیاست.های اجتماعی باش.... خیلی ها تعجب می کنند که در گذشته با این که فضاهای اجتماعی باز تر بود ولی ممکن بود فساد به این اندازه دامنگیر نباشد، این مسأله به دلیل باز



مهمترين عامــل كنترل نظــارت، خود جامعه ست. به صورتی که اعمال اجتماعــی در مقابل چشم جامعه صورت بگیرد و خود جامعه میتواند سياستهاى اجتماعي رابه افراد جامعه تفهيم وآن رامنتقل کندوهمچنین بر آن نظارت داشته باشد. به این معنا که جامعه چشم نگران خود باشد. مثل این شعر، چشم نر گس به شقایق نگران خواهد شد» این جا نگران به معنای نگاه کردن است. وقتی از چشم،نگران جامعه صحبت می کنیم یعنی جامعه بتواند ناظر رفتارهای افراد باشد. اما مشکل اساسی در این نوع اجرایی کرد. کشورهای درحال توسعه مثل ایران اتفاق می افتد این است که بسیاری از اعمالی که می تواند در فضای باز جامعه اتفاق بیفندو جامعه بر آنهانظارت ستایار با مایاریند دینی بیستان با می با می مسرت داشته باشـــد، به ناچار پشت درهای بسته کشیده می شودو جامعه از این که ارزش ها، فرهنگ و قواعد را خودش به افرادش منتقل کند، محروم می شود زیرا پشت درهای بسته هیچ قاعده و قانونی وجود ندار دوهر نوع قانون شكنى فسادو آسيب اجتماعي پشت درهای بسته اتفاق می افتد. درست است که در هر جامعه نهادهای آنونی و کشیده شود مهم این است فرهنگی جا بیفتد که



مقول میاست گذاری های اجتماعی در هر جامعهای از جملـه اصلی ترین مواردی است که می تواند در شـکل دهی به عناصر اصلی جامعه موثر باشد از این رو سیاست گذاران نیز در عرصه مسائل اجتماعى روى مقوله سياست گذارى هاى اجتماعى تأكيد بسيارى دارندو در صددند تااين امر رااز مجارى گوناگون پی یگیرنـد. به این ترتیب در کشورهای گوناگون و با توجه به نوع حکومتی که در آن کشور وجود دارد، نوع سیاستگذاریهای اجتماعی نیز متفاوت است. در کشور ما نیز سیاست گذاری در حوزه مسائل اجتماعی سازو کار خود را دارد. از سویی ت و در حقيقت متولى اين امر نيز در ابتدا دولت اسـ